



بررسی چرایی وقوع جرم در جریان اعتراضات خیابانی در ایران بر اساس نظریه‌های آنومی نهادی و فشار عمومی

عباس محمدنژاد^۱

چکیده

اعتراض‌های مردمی در تمامی جوامع نوین رخ می‌دهد البته جنس اعتراض‌ها در هر کشور لزوماً یکی نیست و می‌تواند اعتراض به وضعیت موجود باشد مثل گرانی، بیکاری و ... و یا اعتراض برای کسب منفعت یا امتیازی مثل حضور زنان در مناصب و جایگاهی خاص. در جمهوری اسلامی ایران نیز اعتراض در قالب حضور خیابانی اقدامی مشروع و قانونی است به طوریکه اصل ۲۷ قانون اساسی تصریح دارد که "تشکیل اجتماعات و راهپیمایی بدون حمل سلاح به شرط آن که مخل مبانی اسلام نباشد آزاد است". اما در مقاطعی در کشور همچون سال ۸۸، ۹۶ و یا ۹۸ افرادی تحت پوشش اعتراض مرتکب جرم شده و به تخریب اموال عمومی مبادرت کردند. هدف این پژوهش بررسی این موضوع است که چرا این عده چنین اقداماتی رو مرتکب شدند که در نهایت موجب رادیکال شدن اعتراض‌ها گردید. محقق در این پژوهش در پاسخ به این سوال که چرا در جریان اعتراضات خیابانی عده‌ای مرتکب جرم می‌شوند، با اتکا به نظریه‌های آنومی نهادی و فشار عمومی و از طریق تحلیل داده‌های ثانویه مطالعات پیشین در این موضوع و همچنین پژوهش کمی محقق با روش پیمایشی و ابزار SPSS به این نتیجه رسید که بخش مهمی از افراد جامعه ایرانی هم به شکل عینی و هم به شکل ذهنی تجربه فشارهای اجتماعی و اقتصادی را در سطوح مختلف تجربه می‌کنند و این فشار در نهایت وقوع جرم و ارتکاب بزه رو در پی دارد.

واژگان کلیدی: اعتراضات خیابانی، نظریه‌های آنومی، وقوع جرم

۱. دکتری مطالعات امنیت ملی دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی

abbas.mohammadnejadip@gmail.com



Investigating Reasons of Committing Crimes in Street Protests in Iran Based on Institutionalized Anomy and Public Pressure Theories

Abbas Mohammad Nejad¹

Abstract

People's protests in all modern societies take place, of course, the type of protests is not necessarily the same in each country and they can be a protest against the present situation such as inflation, unemployment and and/ or a protest against obtaining benefits or concessions like the presence of women in particular professions and positions. In the Islamic Republic of Iran, protests in the framework of street presence are legal and legitimate actions in a way that Article 27 of the constitution explains that "Formation of communities and demonstrations without carrying weapons provided that they are not against Islamic principles, is free". But during some periods in our country, like the years 88, 96 and 98 some people, under the cover of protest, committed crimes and vandalized public properties. The aim of this research is to investigate this issue because these people committed wrongdoings which eventually ended up in the radicalization of protests. In this research, the researcher, in response to the question that why certain people committed crimes in street protests, relying on institutionalized anomy and public pressure and through analysis of secondary data from previous studies and quantitative studies of the researcher using survey and SPSS tool, concluded that an important part of people in the Iranian Society mentally and objectively experience social and economic pressures in different levels and these pressures will eventually be followed by committing serious and petty crimes.

Key Words: Street Protests, Anomy Theories, Committing Crimes

1. Ph.D in National Security Studies, National Defense University and Research Center
abbas.mohammadnejadip@gmail.com



مقدمه و بیان مساله

کشور ما در سالهای اخیر به ویژه در دهه اخیر درگیر ناآرامی‌هایی شده است که به نظر می‌رسد هر بار جنسی متفاوت دارد. اتفاقات سال ۸۸ تا ناآرامی‌ها در سال ۹۶ یا اعتراضات سال ۹۸. هر چند نامگذاری هر کدام از این ناآرامی‌ها احتیاج به ارائه تعریفی از جنبش، شورش، رفرم و انقلاب دارد اما شاید بتوان همه این اعتراضات و ناآرامی‌ها را ترکیبی از نارضایتی‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی دانست که تصمیمی از سوی نظام را عده‌ای مستمسک قرار داده و آن را به جرقه‌ای برای شعله ور شدن آتش فتنه تبدیل کردند، بنابراین باید نگاه همه جانبه تری نسبت به این تحولات اعتراضی داشت که هر بار تندتر و رادیکالتر بروز می‌کند. هر چند خود اعتراض به عنوان یک حرکت مشروع حق مردم است و در اصل ۲۷ قانون اساسی به آن تصریح شده است اما هنگامیکه در کنار این اعتراض مشروع جرمی روی می‌دهد اعتراض جنبه امنیتی به خود می‌گیرد که باید علت آن را در داخل کشور و جامعه جستجو کرد.

«بسیاری از اندیشمندان و صاحب نظران مسائل اجتماعی بر این عقیده اند که شرایط فعلی ایران یک شرایط آنومیک است.» (معیدفر، ۱۳۸۵: ۲۰۲). واز سست شدن نظم اجتماعی و از هم گسیختگی انسجام اجتماعی و نیز پیامدهای اجتماعی مخرب و شکاف‌ها و تناقض‌های حاصل از اجرای سیاست‌های اقتصادی در ایران یاد می‌کنند (اباذری، ۱۳۹۳: ۲۰۷). برخی از صاحب نظران این شرایط آنومیک را رو به تشدید می‌دانند و از گسست‌های هنجاری و دخالت اوضاع اجتماعی و ارتباط آن با عملکرد سوء اقتصادی یاد کرده‌اند (مورفی، ۱۳۹۳: ۲۱۸). و در نتیجه چنین شرایطی را عامل اعتراض‌های کف خیابانی و واکنش‌های اجتماعی با چاشنی خشونت و ارتکاب جرم می‌دانند. فرهنگ عمومی جامعه ایرانی یک فرهنگ سنتی مذهبی است که در آن غلبه با نهاد خانواده و پس از انقلاب نهاد مذهب نیز می‌باشد. در جامعه ما نظام هنجاری به ویژه قوانین و ارزش‌های مذهبی چنان درهم عجین شده است که ناکارآمدی هنجارهای اجتماعی از جمله قوانین و بازیگران نقش‌ها به ارزش‌های مذهبی ربط داده می‌شود (علیوردی نیا، ۱۳۹۳: ۵۴). از سوی دیگر هنجارها و قوانین مبتنی بر مذهب به علت عدم به روزرسانی با افزایش شهرنشینی، گسترش روز افزون مدرنیته و مصادیق آن همچون شبکه‌های اجتماعی و ماهواره‌ها نتوانسته است جوابگوی نیازها و مطالبات نسل جدید شود. همچنین هنگامی که در سطح نهادی در کشور، مدارس و دانشگاه‌ها برحسب توانایی شان در آموزش برای بدست آوردن مشاغل پر درآمد ارزیابی می‌شوند، این نشان دهنده تسلط نهاد اقتصاد است و لذا مجرای برای ترویج موفقیت‌های مادی



شده‌اند. پرسش پژوهش حاضر این است که آیا ریشه وقوع جرم در اعتراضات چند سال اخیر را می‌توان در نظریه آنومی نهادی و نظریه فشار عمومی جستجو کرد؟ نظریه‌ای که معتقد است تفوق اقتصاد بر نهادهای عمده جامعه پذیری شامل خانواده، مدرسه و سیاست باعث می‌شود این نهادها قادر نباشند کارکرد خود را به درستی انجام دهند و فشار ناشی از این آنومی به وقوع جرم منجر می‌شود و آیا چنین وضعیتی می‌تواند عامل وقوع جرم در اعتراضات کشور قلمداد گردد؟

روش شناسی پژوهش

محقق در این پژوهش در ابتدا مطالعات پیشین را در این خصوص بررسی و از طریق تحلیل داده‌های ثانویه نتایج را با نتایج پژوهش خود مقایسه نمود که به جمع‌بندی مشابهی دست یافت. محقق در پژوهش سال ۱۳۹۶ با نمونه آماری ۸۷۰ نفر در شهر تهران و ۱۴۱۶۱ نفر در ۳۰ شهر دارای مرکز صدا و سیما از افراد ۱۸ سال به بالا که به صورت محله‌ای - میدانی اجرا شد، به ارزیابی شاخص‌های سلامت اجتماعی در ابعاد انسجام اجتماعی، پذیرش اجتماعی، شکوفایی اجتماعی، انطباق اجتماعی، مشارکت اجتماعی و نیز شاخص کل سلامت اجتماعی پرداخت. محقق همچنین برای راستی‌آزمایی نتایج تحقیقات گذشته، شاخص‌های ۵ گویه‌ای سرول را به نظر خواهی گذاشت و جامعه آماری خود را جمعیت ۸ میلیون و ۶۰۰ هزار نفری شهر تهران قرار داد که در جدول مورگان بررسی و تعداد ۳۸۴ نفر برای ارائه پرسشنامه انتخاب و سپس به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده پرسشنامه برای افراد ارسال و جمع‌آوری شد که از طریق اکسل و SPSS به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخت.

پیشینه تحقیق

در خصوص اعتراضاتی که طی سال‌های اخیر به ویژه اعتراضات و ناآرامی‌های دیماه ۹۶ یا ۹۸ در کشور رخ داده است دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است و هر محقق از دیدگاه خود به ریشه‌یابی این وقایع پرداخته است. احد رضاقیه باشی و بهرام سرمست در مقاله‌ای تحت عنوان کاربست روش آینده پژوهانه برای تبیین علل ناآرامی‌های دیماه ۹۶ که سال ۹۷ منتشر شده تلاش کرده با چارچوب «تحلیل لایه‌های علت‌ها» راویکردی سیستمی علل وقوع حوادث را توضیح دهد. آنها تلاش کردند ابتدا تصویری کلی و تا حدودی فراگیر از چگونگی آغاز و تسری این اعتراضات، ساختار جمعیتی فعال در این اعتراضات، کنشگران فعال، جغرافیای اعتراضات



و تحلیل‌های ارائه شده از سوی کارشناسان خبره ارائه کنند و سپس با معرفی چارچوب آینده پژوهی کوشیدند علل وقوع این اعتراضات را تبیین نمایند. نویسندگان مقاله در پایان علل اعتراضات را در دو لایه گفتمانی و استعاری احصا کردند. در سطح گفتمانی، کم‌رنگ شدن گفتمان مذهبی - انقلابی در بین نسل جدید و پررنگ شدن گفتمان رفاه طلبی اشاره داشتند. در سطح استعاری نیز علت اصلی این اعتراضات مربوط به تصویری است که به شکل استعاری از آینده ایران و غرب ارائه شده است.

ابراهیم حاجیانی در مقاله "نامیدی اجتماعی: گرانیگاه ناآرامی‌های دیماه ۱۳۹۶" در پاسخ به این سوال که چه مجموعه شرایط و عواملی دست به دست هم داده تا در دی ماه ۱۳۹۶ شاهد بروز اعتراض‌های دسته جمعی مردم در نزدیک به هشتاد شهر در کشور باشیم؟ که با روش تحلیل محتوای رفتارها و شعارها انجام شد به این نتیجه رسید که فقدان اجماع و انسجام لازم بین نهادهای اصلی کشور از سوی مردم به خوبی درک و شناسایی شده و این حس نومیدی از آینده بارائه نکردن راهبردهای روشن، شفاف و قاطع از سوی دولت برای حل ابربحران‌ها تلفیق شد و در نهایت امید اجتماعی به دولت روبه نزول گذاشت.

نعمت الله فاضلی، در مقاله "اعتراضات و مسئله کینه توزی در ایران معاصر که سال ۱۳۹۷ منتشر شد در پاسخ به این سوال که از رهگذر رویکردهای روان شناسی اجتماعی، انسان شناسی، نگاه تاریخی و جامعه شناسی چگونه می‌توان به فهمی از جامعه معاصر ایران رسید؟ معتقد است اعتراض از جمله مولفه‌های وجودی و ساختاری جامعه مدرن است که در حوزه عمومی و نسبت به حکومت‌ها، سیاست‌ها، سازمان‌ها و زندگی اجتماعی است که از درون مقتضیات فرهنگی، تاریخی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هر ملتی شکل می‌گیرد. او معتقد است جامعه ایران جامعه کینه‌ورزی است که در تاریخ معاصر ایران ریشه دارد. به گفته فاضلی، بخشی از این کینه توزی از مناسبات جهانی به ما تحمیل شده است اما بخش مهم‌تر آن ساخت محلی و ملی ماست که نه دولت مشروطه و نه دولت پهلوی و نه جمهوری اسلامی نتوانستند مسیر آن را تغییر دهند.

مهدی رفیعی بهابادی، در مقاله "امید از دست رفته زمینه اجتماعی تجمعات اعتراضی دی ماه ۹۶" که سال ۱۳۹۷ در کتاب مجموعه مقالات "دی ماه ۱۳۹۶، اعتراضات و ناآرامی‌ها" تحلیل‌ها و برآوردها منتشر شد در پاسخ به چرایی اعتراضات می‌نویسد: همزمان با احساس مردم به نبود تغییر جدی اوضاع، درک مردم از فساد اداری و مالی در جامعه بیشتر شد و مردم را به این نتیجه رساند که مسولان کشور کارآمدی لازم برای اداره کشور را ندارند. این موارد منجر به ناامیدی



مردم از پاینده و ایجاد نوعی محرومیت نسبی طولی و عرضی برای مردم گردیده که زمینه ساز اعتراضات دیمه ۹۶ را فراهم آورد.

محمد امین زندی و همکاران هم در گزارشی تحت عنوان آتش خاموش (نگاهی به اعتراضات آبان ۹۸) که حاصل واکاوی اخبار، گزارش‌ها، اظهار نظرها، مصاحبه‌ها و گفت و گوهای متعدد بوده است به این نتیجه رسید که افزایش نارضایتی، تغییر ارزش‌ها، نگرش‌ها و سبک زندگی جوانان، بی هویتی و آوارگی، بیکاری، احساس عدم امنیت، شکاف فزاینده میان جوانان و نظام زمینه ساز اعتراض‌های آبان ۹۸ بوده است.

تعریف مفاهیم و اصطلاحات اعتراض

تام ریچی که از صاحب‌نظران بزرگ مسائل اجتماعی به ویژه مسائل سیاسی است در کتاب مخاطره آمیز، آشفتنگی‌های اجتماعی می‌نویسد: مسائل مخاطره آمیز مسائلی است که با گردآوری و تحلیل داده‌های عینی شناخت پذیر نمی‌شوند (ریچی، ۱۳۹۶: ۴۳). در دیدگاه او تحلیل در این گونه مواقع زمینه گیر می‌شود به طوری که پژوهش‌هایی مبتنی بر روش کمی و داده‌های آماری نمی‌توانند در مسائل مخاطره آمیز پاسخگو باشند. از دیدگاه ریچی مسائل مخاطره آمیز مسائلی ذهنی گرایانه درباره مردم و سیاست‌ها هستند که ساختارپذیری پایداری ندارند و دوره پیشرفت آنها امکان پیش بینی نیست، بنابراین نمی‌توان صورت بندی روشنی از مسائل مخاطره آمیز ارائه کرد. با این رویکرد، اعتراضاتی همچون اعتراضات دیمه ۹۶ یا اعتراضات بنزینی سال ۹۸ از نوع مسائل مخاطره آمیز تلقی می‌شوند و نمی‌توان با الگوهای تقلیل یافته‌ای که جامعه شناسان و روانشناسان ارائه می‌کنند این پدیده را تبیین کرد در نتیجه آمارهای سطحی مبتنی بر سلیقه شخصی و جهت گیری‌های سیاسی امکان ندارد راهگشا باشند و راه حل قطعی و پایداری ارائه کنند بنابراین باید بتوانیم با رویکردهای میان رشته‌ای و فرارشته‌ای و تجزیه و تحلیل‌های نظری، فلسفی مسائل مخاطره آمیزی همچون اعتراضات را فهم پذیر کنیم و آن را نه به عنوان یک امر جزئی تجربی بلکه به عنوان کلیت جامعه و نمادی که ما به وسیله آن بتوانیم جامعه را در حرکت تاریخی، عمومی و کلی‌اش توضیح دهیم، ارزیابی نماییم (اعتراضات و ناآرامی‌های دیمه ۱۳۹۶: ۷۵).

نکته دیگری که رویکرد ریچی بر آن تاکید می‌کند «انسانی بودن» امر مخاطره آمیز است. به همین دلیل از نوعی کیفیت و معنا برخوردار است. این مفهوم کیفی و معنایی بودن مسائل مخاطره



آمیز است که قابلیت رویکردهای علمی و عقلی و تجربی و رویکردهای مبتنی بر آزمایش در فهم جامعه و مسائل جامعه را به چالش می‌کشد. حال با این پرسش مواجه می‌شویم که در مسائل مخاطره آمیز چه چیزهایی کیفی است؟ به نظر می‌رسد که این مسائل به «حال» ما ربط دادند. در جایگاه تمثیل می‌توان گفت وقتی فردی حال خود را خوب نمی‌داند در واقع یک توصیف از کلیت وجودی خود ارائه می‌کند. براساس این تمثیل، مسائل مخاطره آمیزی چون اعتراضات نیز کلیت وجودی جامعه را به تصویر می‌کشد، در نتیجه اعتراضات سال‌های اخیر را که در جامعه ایران شکل گرفته است به حال جامعه باز می‌گردد.

جرم

طبق ماده ۲ قانون مجازات اسلامی^۱ هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود.^۲ بر اساس این برای اینکه عملی جرم محسوب شود باید دارای ویژگی‌های زیر باشد: الف) اگر قانون گذار انجام عملی را در قانون منع کرده باشد، انجام آن عمل جرم محسوب می‌شود. مثلاً قانون گذار سرقت را جرم می‌داند یعنی سرقت عملی است که انجام آن طبق قانون جرم است.

ب) رفتار در این ماده هم شامل انجام دادن یک کار و هم انجام ندادن کار است. یعنی قانون گذار می‌تواند هم انجام دادن یک کار، مثل سرقت، را جرم بداند و هم انجام ندادن کاری (ترک فعل) را جرم بداند.

پ) بر اساس قانون عملی جرم محسوب می‌شود که قانون گذار برای آن مجازات تعیین کرده باشد. در واقع عملی جرم است که بتوان یکی از عناوین مجرمانه را به آن نسبت داد.

مبانی نظری

مسنر^۱ و روزنفلد^۲ (۲۰۰۱) معتقدند که تاکید فرهنگی بر موفقیت مالی ناظر بر این واقعیت است که اقتصاد بر نهادهای عمده و مهم در جامعه شامل خانواده، مدرسه و سیاست مسلط و غالب است. به گفته این نویسندگان، تفوق اقتصاد با کارکرد موثر این نهادها تداخل پیدا می‌کند، نتیجه آن

1..Messner
2. Rosenfeld



این خواهد بود که این نهادها دیگر قادر نخواهند بود تا افراد را به طور مناسب اجتماع پذیر تربیت نموده و ضمانت اجرایی برای انحرافات تعیین کند. دال مرکزی نظریه نهادی در این مهم نهفته است که چهار نهاد اصلی جامعه شامل آموزش، خانواده، سیاست و اقتصاد کارکردهایی دارند که با یکدیگر هم پوشانی داشته و از یکدیگر مستقل نیستند، لذا وجود حداقل میزان از هماهنگی و همکاری میان نهادها برای تداوم جامعه ضرورت دارد (کالن و اگنو^۱، ۲۰۰۴: ۱۹۸).

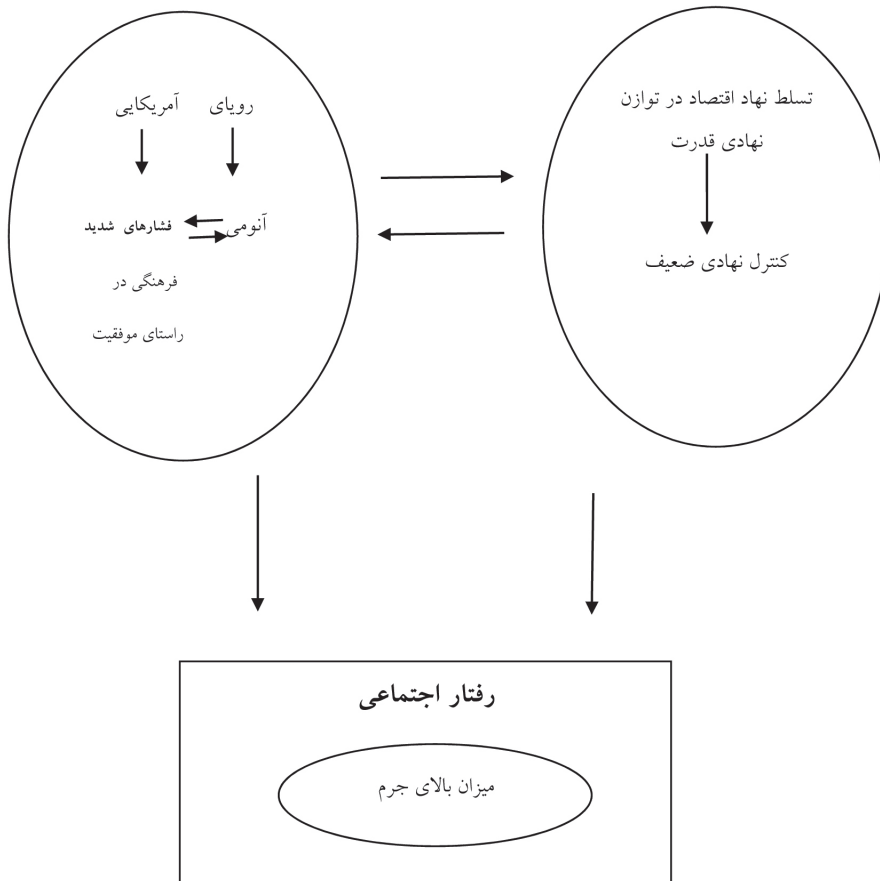
این بدان معناست که ملزومات مورد نیاز برای کارکرد موثر هر نهاد ممکن است با ملزومات نهاد دیگر در تضاد باشد، مثلاً در حالی که تخصیص منزلت‌ها و نقش‌ها در خانواده بر پایه ویژگی‌های انتسابی است، تخصیص منزلت‌ها و نقش‌ها در اقتصاد بر پایه ویژگی‌های اکتسابی است. مسنر و روزنفلد معتقدند که هر جامعه‌ای با آرایش متمایزی از نهادهای اجتماعی که تعادل میان مطالبات و ملزومات بعضاً رقیب نهادهای مختلف را منعکس می‌کند، شناخته می‌شود که تعادل نهادی قدرت را ایجاد می‌کند. همچنین ذات پیکربندی نهایی نهادها خود نیز رابطه نزدیک با فرهنگ دارد. فرض بر این است که فرهنگ و تعادل نهادی قدرت متقابلاً یکدیگر را تقویت می‌کنند. از یک سو، فرهنگ بر ویژگی نهادها و موقعیت آنها در ارتباط با یکدیگر اثر می‌گذارد. از سوی دیگر، الگوهای روابط اجتماعی تشکیل دهنده نهادها که پارسونز از آنها به عنوان «ستون فقرات» سیستم اجتماعی نام می‌برد، تعهدات فرهنگی را باز تولید و حفظ می‌کند (کرون^۲ و همکاران، ۲۰۰۹: ۱۶۹).

مسنر و روزنفلد سه مکانیزم را بر می‌شمرند که از طریق آنها غلبه اقتصاد بر سایر نهادها تحقق و ادامه یافته است:

- (۱) کم ارزش سازی^۳ کارکردها و نقش‌های نهادی غیراقتصادی؛
- (۲) تطابق^۴ و همسازی سایر نهادها با مقررات و ملزومات اقتصادی و؛
- (۳) نفوذ^۵ هنجارهای اقتصادی به قلمرو سایر نهادها؛ مثلاً در کم ارزش سازی، آموزش عمدتاً ابزاری برای رسیدن به موفقیت‌های شغلی در نظر گرفته می‌شود و ارزش آن منوط به تضمین پاداش‌های اقتصادی است و هنگامی که این پاداش حاصل نمی‌شود فشار انباشته شده و این فشار انباشته در جریان اعتراض به وقوع جرم منجر می‌شود. همچنین زمانی که نهادهای آموزشی بیش

1. Cullen & Agnew
2. Krohn
3. Derdudtion
4. Dccommodation
5. Penetration

از آن که با فرایند آموزش یا علاقمندی‌های فردی مطابقت یابند با نیازمندی‌های اقتصاد تطبیق می‌یابند همه چیز در هدف گذاری منفعت بیشتر هدف گذاری می‌شود و اگر این هدف حاصل نشود فشار و در نتیجه اعتراض و جرم متصور خواهد بود.



مدل تحلیلی رابطه‌ی بین سازمان اجتماعی کلان و جرم از نگاه مسنر و روزنفلد

نظریه فشار عمومی آگنو^۱

به طور کلی نظریه فشار عمومی انواع اصلی فشارها را بر می‌شمارد. این که چرا فشارها منجر به

1. Agnew



جرم می‌شوند را تبیین می‌کند ویژگی‌های آن دسته از فشارها را که اغلب منجر به جرم می‌شوند را توضیح می‌دهد (کرون^۱ و همکاران، ۲۰۰۹: ۱۶۹).

تمرکز نظریه فشار بر روابط منفی است. رابطه منفی رابطه‌ای است که در آن دیگران با فرد آن گونه که او دوست دارد رفتار نمی‌کنند. اگنو^۳ نوع عمده فشار را مشخص می‌کند که هر کدام از آنها به یکی از انواع روابط منفی با دیگران بر می‌گردد:

(۱) فشار به عنوان شکست در دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت.

(۲) فشار به عنوان حذف محرک ارزشمند مثبت از فرد.

(۳) فشار به عنوان حضور محرک منفی.

اولین تقسیم بندی فشار خود نیز شامل ۳ بخش است: فشار به عنوان انفصال میان آرزوها و توقعات، فشار به عنوان انفصال میان توقعات و دستیابی واقعی (پاداش‌ها) و فشار به عنوان انفصال میان ستاده منصفانه، عادلانه و ستاده واقعی (کالن و اگنو ۲۰۰۴: ۲۱۱-۲۰۸).

اگرچه فشارها می‌توانند به دلایل متعددی موجب افزایش جرایم شوند ولی نظریه عمومی فشار بر نقش میانجی احساسات منفی تاکید می‌کند. فشارها منجر به احساسات منفی چون خشم، ناامیدی، افسردگی و ترس می‌شوند. این احساسات منفی فرد را به پاسخ بر می‌انگیزد و یکی از این پاسخ‌ها می‌تواند جرم باشد. جرم می‌تواند ابزاری برای کاهش یا رهایی از فشار باشد. این احساسات می‌تواند توانایی فرد را برای مقابله به شیوه قانونی و مشروع کاهش دهد (سیکل^۲، ۱۹۹۸: ۱۷۹). فرد خشمگین کمتر قادر است تا ارزیابی دقیقی از موقعیت داشته و به طور موثر با دیگران ارتباط برقرار کند. همچنین این احساسات هزینه ادراکی از جرم را کاهش می‌دهد. فلاکت مرتبط با افسردگی ممکن است این دیدگاه را تقویت کند که فرد با ارتکاب جرم چیزی برای دست دادن ندارد. سرانجام این احساسات ممکن است زمینه ساز جرم شود. به عنوان مثال افراد عصبی مزاج اغلب میل شدیدی به انتقام جویی دارند و یا خشم، خشونت، افسردگی با مصرف مواد و ترس با فرار مرتبط است (کرون و همکاران، ۲۰۰۹: ۱۷۱).

علاوه بر این فشارها می‌توانند کنترل اجتماعی به ویژه از نوع مستقیم را کاهش دهند. بسیاری از فشارها حاصل رفتار منفی از سوی افرادی است که روزانه با آنها سروکار داریم مانند والدین، معلمان، کارمندان و پلیس. این فشارها موجب کاهش تمایل فرد به همنوایی و پیوند عاطفی به

1. Krohn

2. Siegel



دیگران می‌شود و با دوری‌گزینی فرد از دیگران امکان کنترل اجتماعی مستقیم کاهش می‌یابد. سرانجام فرد با توجه به ناامیدی و تضعیف روابطش با دیگران به احتمال بیشتری خواسته‌های خود و نه دیگران را در اولویت قرار خواهد داد (کانتی، ۲۰۰۵).

شیوه‌های سنجش و اندازه‌گیری آنومی

در جامعه‌شناسی دو شیوه اصلی برای اندازه‌گیری آنومی طرح شده است. شیوه نخست و پرکاربرد استفاده از مقیاس‌هایی برای اندازه‌گیری آنومی است. شیوه دوم اندازه‌گیری آرزوها و اهداف و اختلاف آن با احتمال دستیابی به آنهاست. (نایی، ۱۳۹۶، ۹).

اولین و پرکاربردترین شیوه اندازه‌گیری آنومی، مقیاسی است که توسط سرول^۱ تهیه شده است. سرول برای مقیاس خود که احساس آنومی فردی را اندازه‌گیری می‌کند از اصطلاح آنومیا استفاده کرد. مقیاس سرول از پنج گویه تشکیل شده است (سرول، ۱۹۵۴):

۱. مکاتبه با مقامات دولتی فایده‌چندانی ندارد چرا که اکثر مقامات دولتی واقعاً به فکر مشکلات مردم عادی نیستند.

۲. این روزها انسان مجبور است به فکر امروزش باشد و فردا را به حال خود رها کند.

۳. با وجود آنچه که برخی از مردم می‌گویند وضعیت افراد عادی در حال بدتر شدن است، نه بهتر شدن.

۴. با توجه به روند امور در آینده چندان منصفانه نیست که بچه‌های را به دنیا آورد.

۵. این روزها مردم واقعاً نمی‌دانند که روی چه کسی می‌توانند حساب کنند.

درواقع سرول تلاش کرد مفهوم آنومی را که یک پدیده ساختار اجتماعی است و طی آن قواعد حاکم بر رفتار اجتماعی مختل می‌شود در سطح فردی به کار گیرد. او به دنبال تقلیل‌گرایی روانشناختی نبود بلکه تلاش کرد آثار روان‌شناختی اجتماعی متغیر ساختار اجتماعی آنومی را اندازه‌گیری کند (تیوان^۲، ۱۹۷۵).

نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی در جامعه

تمایزات میان مردم و استقرار آنها در گروه‌های نابرابر اقتصادی و اجتماعی و تفاوت مردم در

1. Srole

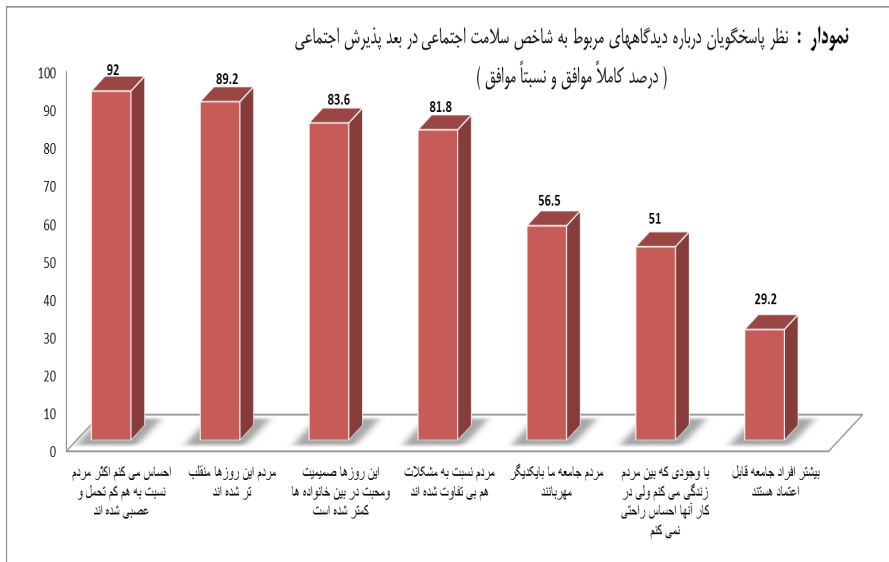
2. Tivan



مراتب و منزلت‌ها به ویژه در حوزه اقتصادی امر کم و بیش ملموس و پذیرفته شده است که جوامع گوناگون درجات مختلفی از آن را تجربه می‌کنند. در این میان برجسته شدن و نمایش تمایزات، تفاخر و به جلوه در آوردن اموال و دارایی‌ها پدیده‌ای است که به احساس ناامنی در برخورداران از امکانات زندگی دامن می‌زند و از طرفی موجب شکل‌گیری رقابت‌های ناسالم می‌شود.

بر اساس نتایج تحقیقی که محقق و جمعی از همکاران در سال ۱۳۹۶ جهت بررسی سلامت اجتماعی مردم تهران انجام داد شاخص‌های سلامت اجتماعی در ابعاد انسجام اجتماعی، پذیرش اجتماعی، شکوفایی اجتماعی، انطباق اجتماعی، مشارکت اجتماعی و نیز شاخص کل سلامت اجتماعی مورد سنجش قرار گرفت.

نتایج این نظرسنجی با نمونه آماری ۸۷۰ نفر در شهر تهران و ۱۴۱۶۱ نفر در ۳۰ شهر دارای مرکز صدا و سیما از افراد ۱۸ سال به بالا و به صورت محله‌ای - میدانی اجرا شد در بررسی بعد پذیرش اجتماعی نشان می‌دهد که ۹۲ درصد پاسخگویان گفته‌اند «احساس می‌کنند اکثر مردم نسبت به هم کم تحمل و عصبی شده‌اند» از نظر ۸۹/۲ درصد «مردم این روزها متقلب‌تر شده‌اند». ۸۳/۶ درصد معتقدند «این روزها صمیمیت و محبت در بین خانواده‌ها کمتر شده است». در مقابل فقط ۳۹/۲ درصد پاسخگویان بر این باورند که «بیشتر افراد جامعه قابل اعتماد هستند».

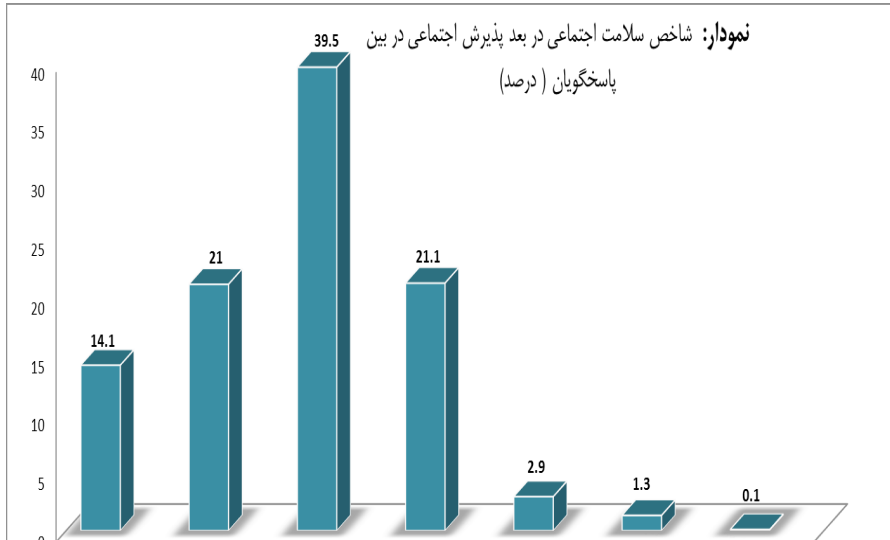




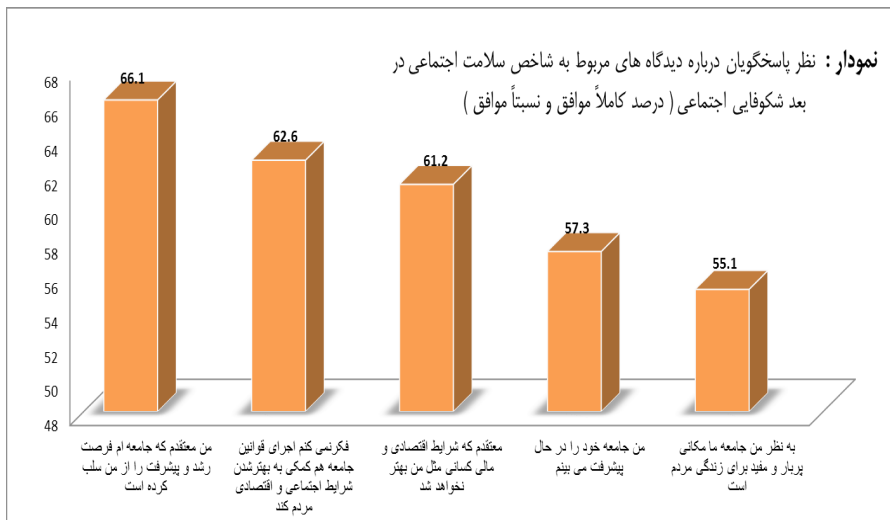
میزان موافقت پاسخگویان با دیدگاه‌های مربوط به شاخص سلامت اجتماعی
در بعد پذیرش اجتماعی (درصد)

ردیف	دیدگاه‌ها	کاملاً موافق	نسبتاً موافق	نسبتاً مخالف	کاملاً مخالف	جمع	میانگین رتبه‌ای (از ۱ تا ۷)
۱	احساس می‌کنم اکثر مردم نسبت به هم کم تحمل و عصبی شده‌اند	۵۳/۱	۳۸/۹	۶/۵	۱/۵	۱۰۰	۱۶/۲۴
۲	مردم این روزها متقلب‌تر شده‌اند	۵۱/۹	۳۷/۳	۸/۵	۲/۳	۱۰۰	۱۵/۹۲
۳	این روزها صمیمیت و محبت در بین خانواده‌ها کمتر شده است	۴۲	۴۱/۶	۱۱/۴	۵	۱۰۰	۱۴/۷۲
۴	مردم نسبت به مشکلات هم بی تفاوت شده‌اند	۳۹/۱	۴۲/۷	۱۳/۳	۴/۹	۱۰۰	۱۲/۴۴
۵	مردم جامعه ما با یکدیگر مهربان‌اند	۱۶/۵	۴۰	۲۷/۹	۱۵/۶	۱۰۰	۱۰/۴۹
۶	با وجودی که بین مردم زندگی می‌کنم، ولی در کنار آنها احساس راحتی نمی‌کنم	۱۸/۳	۳۲/۷	۳۰/۳	۱۸/۷	۱۰۰	۱۰/۰۴
۷	بیشتر افراد جامعه قابل اعتماد هستند	۱۰/۱	۲۹/۱	۳۷/۸	۲۳	۱۰۰	۸/۴۱

نتایج به دست آمده از میانگین نمره پاسخگویان در ۷ عبارت شاخص «پذیرش اجتماعی» نشان می‌دهد نمره ۱۴/۱ درصد پاسخگویان «بسیار پایین»، ۲۱ درصد «پایین»، ۳۹/۵ درصد «تا حدی پایین»، ۲۱/۱ درصد «متوسط»، ۲/۹ درصد «تا حدی بالا»، ۱/۳ درصد بالا و ۰/۱ درصد «بسیار بالا» بوده است. در مجموع میانگین نمره پاسخگویان در شاخص پذیرش اجتماعی از نمره صفر تا ۲۰ برابر ۶/۸۱ (تا حد پایین) است.



همچنین در بررسی بعد شکوفایی اجتماعی نتایج به دست آمده نشان می‌دهد ۶۶/۱ درصد پاسخگویان معتقدند «جامعه فرصت رشد و پیشرفت را از من سلب کرده است». از نظر ۶۲/۶ درصد «اجرای قوانین جامعه هم کمکی به بهتر شدن شرایط اجتماعی و اقتصادی مردم نمی‌کند» و ۶۱/۲ درصد بر این باورند که «شرایط اقتصادی و مالی کسانی مثل من بهتر نخواهد شد.»

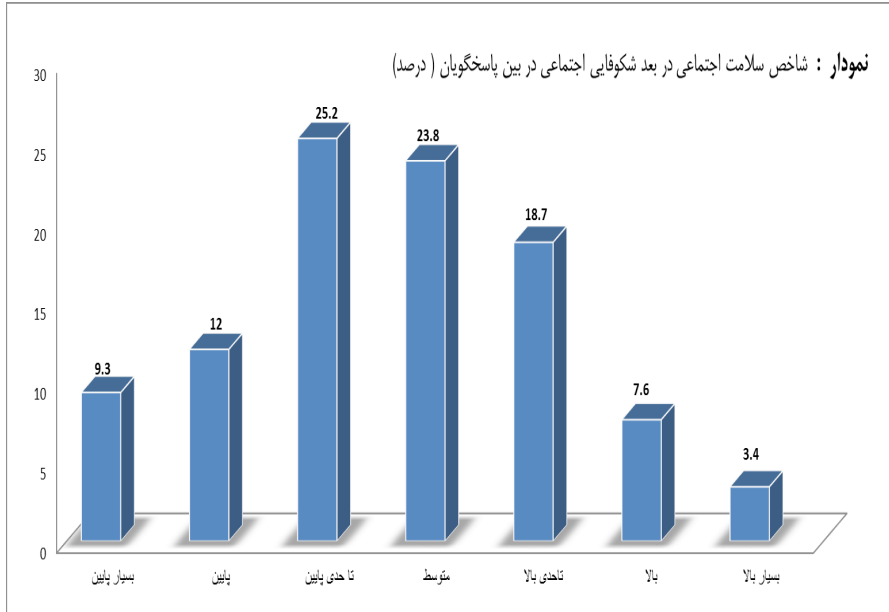




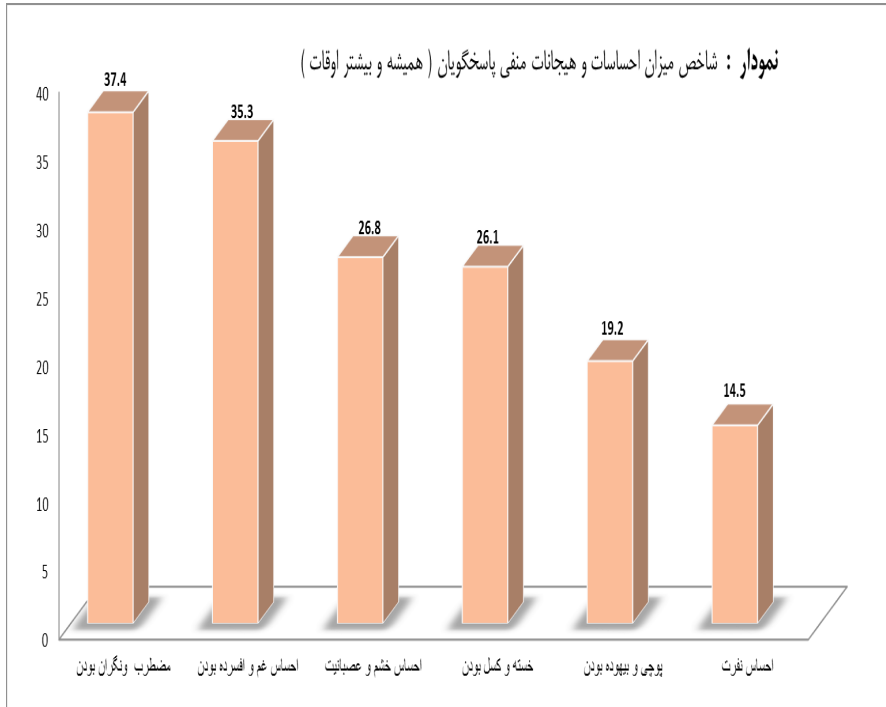
میزان موافقت پاسخگویان با دیدگاه‌های مربوط به شاخص سلامت اجتماعی در بعد شکوفایی اجتماعی (درصد)

ردیف	دیدگاه‌ها	کاملاً موافق	نسبتاً موافق	نسبتاً مخالف	کاملاً مخالف	جمع	میانگین رتبه‌ای (از ۰ تا ۴)
۱	جامعه فرصت رشد و پیشرفت را از من سلب کرده است.	۳۰/۷	۳۵/۴	۲۲/۸	۱۱/۱	۱۰۰	۱۲/۳۸
۲	اجرای قوانین جامعه هم کمکی به بهتر شدن شرایط اجتماعی و اقتصادی مردم نمی‌کند.	۲۷/۲	۳۵/۴	۲۴/۸	۱۲/۶	۱۰۰	۱۱/۸۰
۳	شرایط اقتصادی و مالی کسانی مثل من بهتر نخواهد شد.	۲۹/۳	۳۱/۹	۲۳/۸	۱۵	۱۰۰	۱۱/۷۰
۴	من جامعه خود را در حال پیشرفت می‌بینم.	۲۲/۶	۳۴/۷	۲۴/۵	۱۸/۲	۱۰۰	۱۰/۷۸
۵	به نظر من جامعه ما مکانی پربار و مفید برای زندگی مردم است.	۱۴/۹	۴۰/۲	۲۸/۶	۱۶/۳	۱۰۰	۱۰/۲۴

نتایج به دست آمده از میانگین نمره پاسخگویان در ۵ عبارت شاخص «شکوفایی اجتماعی» نشان می‌دهد نمره ۹/۳ درصد پاسخگویان «بسیار پایین»، ۱۲ درصد در حد «پایین»، ۲۵/۲ درصد «تاحدی پایین»، ۲۳/۵ درصد «متوسط»، ۱۸/۷ درصد «تاحدی بالا»، ۷/۶ درصد «بالا» و ۳/۴ درصد «بسیار بالا» بوده است. در مجموع میانگین نمره پاسخگویان در شاخص شکوفایی اجتماعی از نمره صفر تا ۲۰ برابر ۹/۰۳ «در حد متوسط» است.



برای بررسی شاخص احساسات و هیجانات منفی نیز برخی حالات و هیجانات برای پاسخگویان بیان شد و از آنها پرسیده شد تا چه اندازه این حالات و هیجانات را در خود احساس می‌کنند. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد ۳۷/۴ درصد پاسخگویان «همیشه یا بیشتر اوقات»، احساس اضطراب و نگران بودن و ۳۵/۳ درصد احساس غم و افسرده بودن می‌کنند که میزان این دو حالت احساس و هیجانی در بین پاسخگویان بیشتر و تجربه احساس نفرت کمتر از سایر حالات دیگر بوده است.



محقق برای راستی آزمایی نتایج تحقیقات گذشته نیز، شاخص‌های ۵ گویه‌ای سرول رو به نظر خواهی گذاشت و جامعه آماری خود را جمعیت ۸ میلیون و ۶۰۰ هزار نفری شهر تهران قرار داد که در جدول مورگان بررسی و تعداد ۳۸۴ نفر برای ارائه پرسشنامه انتخاب و سپس به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده پرسشنامه برای افراد ارسال و جمع‌آوری شد. بر اساس نتایج نظرسنجی نتایج زیر احصا گردید.

دیدگاه مردم به شاخصه‌های ۵ گویه‌ای سرول

ردیف	دیدگاه‌ها	کاملاً موافق	نسبتاً موافق	نسبتاً مخالف	کاملاً مخالف	جمع	میانگین رتبه‌ای (از ۱ تا ۴)
۱	مکاتبه با مقامات دولتی فایده چندانی ندارد چراکه اکثر مقامات دولتی واقعاً به فکر مشکلات مردم عادی نیستند	۳۰/۷	۳۵/۴	۲۲/۸	۱۱/۱	۱۰۰	۱۲/۳۸
۲	این روزها انسان مجبور است به فکر امروزش باشد و فردا را به حال خود رها کند	۲۷/۲	۳۵/۴	۲۴/۸	۱۲/۶	۱۰۰	۱۱/۸۰
۳	با وجود آنچه که برخی از مردم می‌گویند وضعیت افراد عادی در حال بدتر شدن است نه بهتر شدن	۳۹/۵	۳۷/۷	۱۵/۹	۶/۹	۱۰۰	۱۳/۹۸
۴	باتوجه به روند امور در آینده چندان منصفانه نیست که بچه‌ای را به دنیا آورد	۳۶/۹	۳۹/۳	۱۶	۷/۸	۱۰۰	۱۳/۶۹
۵	این روزها مردم واقعاً نمی‌دانند که روی چه کسی می‌توانند حساب کنند	۴۰/۲	۲۴/۹	۱۸/۶	۱۶/۳	۱۰۰	۱۲/۲۴





نتیجه گیری

یافته‌ها و نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ۶۶/۱ به صراحت اعلام کرده‌اند که مکاتبه با مقامات دولتی فایده ندارد چرا که اکثر مقامات دولتی به فکر مشکلات مردم نیستند. همچنین ۶۲/۶ معتقدند این روزها انسان مجبور است به فکر آموزش باشد و فردا را به حال خود رها کند. ۷۷/۲ نیز ابراز کرده‌اند که وضعیت افراد عادی در حال بدتر شدن است و تنها ۲۲/۸ معتقد بودند که وضعیت در حال بهتر شدن است. همچنین ۷۶/۲ معتقد هستند که با توجه به روند امور در آینده چندان منصفانه نیست که بچه‌ای را به دنیا آورد و ۶۵/۱ نیز اعلام کرده‌اند این روزها واقعا نمی‌دانند که روی چه کسی می‌توانند حساب کنند.

این تحقیق نشان داد بخش مهمی از افراد جامعه ایرانی هم به شکل عینی و هم به شکل ذهنی تجربه فشارهای اجتماعی و اقتصادی را در سطوح مختلف تجربه کرده‌اند. همچنانکه ۵۹/۱



درصد از پاسخگویان معتقدند امکانات مادی و رفاهی زندگیشان در حد خیلی زیاد یا زیاد به آنچه دوست دارند فاصله دارد، این یعنی به دلایل مختلف یا توقع افراد از زندگی افزایش یافته است و یا جامعه شرایط پیشرفت افراد را به درستی فراهم نکرده است. اگر چه سطحی از وجود نابرابری‌های اجتماعی، اقتصادی در جوامع گوناگون وجود دارد، شدت گرفتن تفاوت‌ها، نابرابری‌ها در جامعه آثار زیانبار فراوانی دارد. از یک سو برگستره فقر و محرومیت و همچنین نابرابری می‌افزاید و از طرف دیگر شدت گرفتن تفاوت‌ها به احساس محرومیت نسبی دامن می‌زند. اینکه ۵۹/۱ درصد پاسخگویان گفته‌اند که زندگیشان از نظر در آمد مناسب، ۵۷/۱ درصد از نظر برخورداری از مسکن و امکانات سکونت، ۵۶/۸ درصد از نظر داشتن خودرو مناسب و ۵۴/۷ درصد از نظر برخورداری از شغل مناسب و ۵۲/۹ درصد از نظر برخورداری از امکانات تفریحی و فراغتی مناسب در حد خیلی زیاد یا زیاد یا وضع مطلوب فاصله دارند نشان دهنده شکل‌گیری بهمن معضلات اجتماعی در سطوح عینی و ذهنی است و این احساس فراینده مقایسه‌پذیری را شدت می‌بخشد و به تدریج احساسات منفی و ناخوشایند، نفرت، بدبینی، سیاسی و ... را در بین افراد جامعه حاکم می‌کند و از سویی مقایسه زیاد زندگی خود با دیگری موجب احساس ناخوشایند ناکامی در افراد می‌شود و در این بین آنچه بیش از همه از این وضعیت خلل می‌پذیرد، نظم، امنیت و آرامش جامعه است، وقتی ۵۸/۳ درصد در جامعه معتقدند که در مقایسه با دیگران به آنچه حقشان بوده کمتر رسیده‌اند، باید منتظر واکنش‌های اجتماعی و بهم ریختگی نظم و آرامش جامعه و افزایش وقوع جرم بود.

همچنین در سال‌های اخیر ایده و انتظار ایجاد شده برای مردم برای بهبود اوضاع کشور کم فروغ شده و منجر به نوعی ناکامی برای مردم شده است. از طرفی همزمان با احساس مردم به نبود تغییر جدی اوضاع، درک مردم از فساد اداری و مالی در جامعه بیشتر شد و مردم را به این نتیجه رساند که مسئولان کشور کارآمدی لازم را برای اداره کشور ندارند. این موارد منجر به ناامیدی مردم از آینده و ایجاد نوعی محرومیت نسبی طولی و عرضی برای مردم شده که زمینه‌ساز اعتراضات و وقوع جرم ذیل این اعتراضات را فراهم کرده است. اینکه نتایج نظرسنجی نشان می‌دهد که ۶۶/۱ درصد جامعه معتقد است که جامعه فرصت رشد و پیشرفت را از آنها سلب کرده، ۶۲/۶ درصد معتقدند که اجرای قوانین جامعه هم کمکی به بهتر شدن شرایط اجتماعی و اقتصادی مردم نمی‌کند، ۶۱/۲ درصد معتقدند که شرایط اقتصادی و مالی آنها بهتر نخواهد شد، نشان دهنده تقلیل خطرناک امید در جامعه است.

در کنار این کاهش امید افزایش دامنه نارضایی‌ها بسیار متنوع شده است و از نارضایتی اقتصادی،



شغلی تا نارضایتی سیاسی و نارضایتی‌های معطوف به سیاست‌های فرهنگی اجتماعی را در برمی‌گیرد. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد ۹۳/۸ درصد از افزایش طلاق، ۹۳/۴ درصد از مفاسد اقتصادی در جامعه، ۹۳/۷ درصد از گسترش اعتیاد، ۹۲/۹ درصد از فاصله طبقاتی، ۸۹/۳ درصد از فساد و فحشا، ۵۸/۲ درصد از حمایت و پوشش بیمه‌ای و ۶۲/۸ درصد از وضع بهداشت و سلامت جسمانی نارضایتی دارند به طوریکه براساس میانگین رتبه‌ای موارد طلاق، مفاسد اقتصادی، اعتیاد، فاصله طبقاتی، فحشا و فساد، مشکلات زیست محیطی و فقر و محرومیت در وضعیت قرمز یا بحرانی قرار دارند که این خود زنگ خطر واکنش‌های اجتماعی را به صدا در می‌آورد. شواهد آماری متعدد گویای آن است که احساس نارضایتی و احساس محرومیت متعاقب آن یک پنداشت و برداشت ذهنی تعمیم یافته بوده و تبدیل به روندی خودآموخته شده است و از سوی نهادها و رسانه‌ها نیز منتقل و اشاعه و تثبیت می‌شود.

به نظر می‌رسد بخش عمده‌ای از این احساس محرومیت ناشی از افت شاخص‌های عینی نیست بلکه به علت افزایش روزافزون سطح انتظارات و توقعات و به قول فرامرز رفیع پور، ولع لجام گسیخته همه عناصر نظام اجتماعی اعم از مقامات رسمی تا مردم معمولی است. در هر حال این ذهنیت‌ها، برداشت‌ها و پنداشت‌ها خود بخش مهم از واقعیت نظام اجتماعی را نمایندگی می‌کنند و صرف ذهنی یا برساخت بودن محرومیت به معنی بی‌تاثیر بودن آنها به کنش‌های سیاسی جمعی و فردی افراد نیست. همچنین باید تاکید کرد که این احساس محرومیت در برخی خبرها بی‌ربط و بی‌اتصال یا واقعیات بیرونی نیست واز آن سرچشمه می‌گیرد و از برخی جهات نیز یک برساخت ذهنی است. اینکه این محرومیت نسبی واقعی باشد یا ذهنی هر روزه افراد را تحت تاثیر اهداف از زندگی قرار دادند که با مادیات، تحصیلات، رشد تا سطوح عالی مقامات دولتی و ... مواجه هستند که فقط اقشار مرفه و پرنفوذ توان محقق کردن آنها را دارند اما طبقات فرودست امکان آن را ندارند تا به این اهداف به شکل ایده آل دست یابند و به ناچار باید وضعیت موجود را تحمل کنند یا به شیوه‌ها و ابزارهای نامشروع روی آورند که پیامد آن ارتکاب جرم حین اعتراض‌های خیابانی و رادیکال کردن یک اعتراض قانونی است.

پیشنهاد و ارائه راهکار :

۱- اعتراض طبق قانون اساسی حق افراد جامعه است و در قانون اساسی نیز بدان تصریح شده است. حاکمیت می‌بایست امکان تجمعات مشروع و قانونمند اعتراضی را به گونه‌ای فراهم



کند که افراد هنجارشکن فرصت برای ارتکاب جرم و در نتیجه منحرف کردن اعتراض‌های قانونی را نداشته باشند.

۲- خانواده و آموزش و پرورش از اساسی‌ترین مولفه‌های جامعه‌پذیری است که در سال‌های اخیر به شدت از کارکردهای خود فاصله گرفته‌اند. آموزش و پرورش ما در چند دهه اخیر از پرورش فاصله گرفته و آموزش را سرلوحه خود قرار داده است در صورتی که ترویج آموزه‌های اسلامی و انسانی در زمره پرورش قرار دارد که اغلب در وزارت آموزش و پرورش کسانی متولی این بخش هستند که شناختی از روش‌های پرورشی ندارند.

۳- صداوسیما به عنوان یکی دیگر از نهادهای متولی در این امور با این استدلال پوچ و خطرناک که رسانه ملی باید صرفاً مخاطب محور باشد با این بهانه که برای مخاطب امروز این موارد جذاب نیست از طرح مباحث انسانی فاصله گرفته، مباحث مهم و ارزشمندی مثل قناعت، بردباری، نان حلال دربرنامه‌ها نمایشی که بیشترین تاثیرگذاری را دارد مغفول واقع شده است.

۴- بی‌توجهی به تولیدکننده توسط دولت‌ها و متاسفانه پیشرفت افراد با دلال بازی و سفته بازی که خود نیز ضربه‌ای مضاعف به تولید و تولیدکننده وارد می‌کند شرایطی را در جامعه ایجاد کرده است که روحیه یک شبه پولدار شدن، روحیه غالب مردم کشور شده است، بنابراین برای حل این مشکل بنیادی، راه حلی چند وجهی نیاز است که در این میان نقش تاثیرگذار آموزش و پرورش و صداوسیما بسیار با اهمیت خواهد بود.



فهرست منابع

۱. پروین، ستار (۱۳۹۵). جامعه‌شناسی آسیب‌های اجتماعی در شهر تهران، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهرداری تهران.
۲. شعبانی اصل (۱۳۹۲). نقش سرمایه اجتماعی در حماسه اقتصادی، مرکز تحقیقات و سنجش برنامه‌های صدا و سیما.
۳. شکیبا، محمدی (۱۳۹۷). سلامت اجتماعی مردم تهران، رسمی / مرکز تحقیقات صدا و سیما.
۴. صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۳). آسیب‌های اجتماعی، نشر آن.
۵. علیوردی نیا، اکبر و میرزایی، سمیه (۱۳۹۸). دلالت‌های سیاسی نظریه‌های فشار انومی نهادی مسنر و روزنفلد و فشار عمومی اگنو در کاهش رفتارهای انحرافی دانشجویان، فصلنامه اجتماعی، دوره ششم، پاییز و زمستان.
۶. غندالی و محمدی شکیبا (۱۳۹۶). نگاهی به مسائل و آسیب‌های اجتماعی در جامعه، مرکز تحقیقات صدا و سیما.
۷. کرون، جیمز (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی (چگونه مسائل اجتماعی را حل کنیم)، ترجمه مهرداد نوابخش، انتشارات جامعه پژوهان سینا.
۸. مستمع، رضا- ساروخانی، باقر و وثوقی، منصور (۱۳۹۷). بررسی عوامل موثر بر انومی اجتماعی در اجتماعی در خانواده شهری و پیامدهای آن، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی.
۹. (۱۳۹۵). درآمدی بر ابعاد روان‌شناختی و جامعه‌شناختی آستانه تحمل، اسمی، مرکز تحقیقات صدا و سیما.
۱۰. (۱۳۹۴). نظرسنجی از مردم تهران درباره اعتماد اجتماعی، مرکز پژوهش و سنجش افکار صدا و سیما.

11- Keyes, C.L.M¹ (1998). social well-being, social psychology quarterly, 61, 121-190

12- Larson, J.S. (1996). The World Health Organization definition of health: social versus spiritual health. social indicators research, 38: 181-192

13- Macdonald Geoff (2008), department of psychology university of



toeonto , pain res managae vol 13 no 4 july / august 2008

14- Stachour, Valerie M(1998) the role of social support in mediating stress and Illness Wesleyan university .honor projects.paper 57

15- Ballenger – Browning , Kara.MPH& DOUGLAS C.JOHNSON, PHD(2010) Key Facts on Resilience naval centre for combat & operational stress control